

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خالق یکتا و درود و سلام به اشرف پیامبران حضرت محمد (ص) و درود به تمام اصحاب و یاران او برادران مسلمان عزیز و محترم. بدانید و آگاه باشید که خداوند تبارک و تعالی ما انسان ها را اشرف مخلوقات آفریده و برای هدایت و راهنمایی ما رسولان زیادی را فرستاده است. آن رسولان از جنس خودمان انسان هستند، خداوند تبارک و تعالی برای آنان معجزه عطا فرموده و به علم مزین کرده است و بدین ترتیب آنان را در زمان خودشان نسبت به دیگران برتر قرار داده است. به این رسولان خداوند تبارک و تعالی در زبان عربی نبی و در زبان فارسی پیامبر می گویند. درباره تعداد آن رسولان خدا روایات زیادی وجود دارند که هر کدام نسبت به یکدیگر متفاوت هستند. در برخی روایات تعداد آنان ۱۲۴ هزار نفر آمده و در بعضی روایات دیگر تعداد آنان ۲۲۴ هزار نفر آمده است. اما بهتر است که برای این رسولان، عدد و یا شماره ای تعیین نشود، زیرا خداوند تبارک و تعالی در آیه ۷۸ از سوره ۴۰ قرآن کریم می فرماید:

« منہم من قصصنا علیک و منہم من لم نقصص علیک » یعنی: من از تعدادی از آن رسولان برایت سخن گفتم و از آن میان، از تعدادی از آنان سخن نگفتم.

به همین دلیل نباید تعداد پیامبران را با عدد شماره گذاری کرد، اگر تو بر آنان شماره معلوم بکنی و چنانچه شماره مورد نظر تو با تعداد واقعی رسولان خدا مطابقت نداشته باشد و شماره آنان زیادتر از شماره مورد نظر تو باشد، در آن صورت تعدادی از پیامبران از ردیف پیامبران خدا خارج می شوند، در واقع معلوم می شود که تو به پیامبر بودن این عده اعتقادی نداری، اگر چنین باشد تو مرتکب گناه بزرگی شده و از دین خارج می شوی. اگر حقیقتاً شماره و عدد پیامبران از شماره مورد نظر شما کمتر باشد، در آن صورت تو تعدادی از افرادی را که بدرجه پیامبری نرسیده و پیامبر نشده اند، در ردیف پیامبران قرار می دهی که این حالت گمراهی بزرگی را به دنبال دارد و از دین خارج می شوی. پیش با اعتقاد به راه عالمان دینی خودمان، بهترین روش این است که قبول داشته باشیم، اولین رسول خدا حضرت آدم و آخرین آنان حضرت محمد (ص) می باشد و در بین این دو نفر تعدادی زیادی پیامبر بوده اند که تعداد آنان بدرستی معلوم نیست. تعدادی از افراد که از راه حق گمراه گشته اند می گویند که اولین رسول خدا حضرت نوح (ع) است که این گفته باطل است و خودشان هم گمراه هستند. هیچ وقت به حرفهای آنان گوش ندهید و از راه حق و حقیقت جدا نشوید.

پیامبرانی که آرامگاه آنان در ایران قرار دارد

مسلمانان عزیز، بر اساس معلومات خودمان تعداد سه نفر از پیامبران در خاک ایران دفن شده اند که اولین آن حضرت دانیال نبی (ع) است که آرامگاه وی بعنوان زیارتگاهی بزرگ در شهر شوش قرار دارد. دومین آن حضرت حَبَقُوق نبی (ع) است که زیارتگاه وی در شهر توسیرکان قرار دارد و سومین آن حضرت خالد نبی (ع) است که در ترکمن صحرای ایران، در منطقه جرجان و بر بلندی کوه « خدا » قرار دارد و زیارتگاه بسیار مشهوری است که نسل هاست به عنوان بزرگترین زیارتگاه ترکمنان به شمار می آید.

درباره شجره حضرت خالد نبی (ع)

برادران مسلمان ، حضرت خالد نبی علیه السلام فرزند سنان است . سنان پسر غیث است و غیث هم پسر مریطه و مریطه پسر مخزوم و مخزوم پسر مالک است . مالک هم پسر غالب و غالب هم پسر قطیعه و قطیعه پسر عبس و عبس هم پسر بَغِیض و بَغِیض پسر ربیعہ می باشد . ربیعہ پسر نزار و نزار هم پسر مَعه و مَعه پسر عدنان است . عدنان هم پسر آد و آد پسر آدَد و آدَد پسر آلْهَمِیسع و الهمیسع هم پسر سلامان است . سلامان پسر بنت و بنت پسر حَمَل و حَمَل پسر قیدار و قیدار پسر حضرت اسماعیل علیه السلام است . حضرت اسماعیل پدر تمام اعراب می باشد . حضرت اسماعیل پسر حضرت ابراهیم (ع) است و حضرت ابراهیم (ع) پسر تارح و تارح به عربی آزر است . تارح پسر ناحور و ناحور پسر شاروخ و شاروخ پسر ارغو و ارغو هم پسر فالغ است . فالغ هم پسر عابر پسر شالخ و شالخ پسر ارفخشد و ارفخشد پسر سام و سام هم پسر حضرت نوح علیه السلام است . حضرت نوح (ع) پسر لَمَک و لَمَک هم پسر متوشلخ و متوشلخ هم پسر اخنوخ و اخنوخ پسر الیارد و الیارد مَهلائیل و مَهلائیل هم پسر قینان است . قینان پسر انوش و انوش هم پسر حضرت شیت (ع) و حضرت شیت (ع) پسر حضرت آدم ابوالبشر می باشد . حضرت آدم ابوالبشر (ع) انسانی است که خداوند تبارک و تعالی او را از خاک آفرید و او پدر تمام نسل انسان هاست .

تاریخ پیدایش حضرت خالد نبی (ع)

از زمانی که پدر همه ما حضرت آدم (ع) از سرای بهشت به سرای دنیا آمده اند ، مبدأ تاریخ هبوطی محاسبه شده است که تا کنون از آن زمان ۷ هزار و ۵۹۸ سال گذشته است . براساس همان تاریخ هبوطی خداوند تبارک و تعالی در سال ۶ هزار و ۱۲۳ شخصی از بین اعراب بنام خالد نبی سنان را که از طایفه بن عبن بود برگزید و به تخت نبوت نشاند و بدنبال آن حضرت خالد نبی (ع) قوم وَسّ را به شریعت حضرت عیسی (ع) دعوت می کند . در طایفه عرب به غیر از حضرت رسول اکرم محمد (ص) و حضرت خالد بن سنان هیچ پیامبری نیست و می توان گفت که از بین اعراب فقط این دو نفر به پیامبری برگزیده شده اند و بقیه پیامبران از قوم بنی اسرائیل هستند . تاریخ پیدایش حضرت خالد نبی در آن تاریخ ذکر شده با این حدیث حضرت محمد (ص) رسول گرامی مان منافات ندارد که او فرموده است : « لیس بین و بینه نبی » یعنی بین من و حضرت عیسی (ع) پیامبری نیست ، یعنی منظور آنست که یک پیامبری که شریعت مستقلی را با خود بیاورد نیست . زیرا خالد نبی (ع) در زمان خود فقط شریعت حضرت عیسی (ع) را تبلیغ کرده و شریعت مستقلی نداشته و بعبارتی دین جدیدی را بوجود نیآورده است .

معجزات حضرت خالد نبی (ع)

در طول زندگی آرام حضرت خالد نبی در میان اقوام خود ، روزی از یک غاری شعله های آتش بیرون می جهد و محصولات کشاورزی و حیوانات آنان را سوزانده و نابود می کند . بطوریکه در هنگام شب شعله های آتش مسافت سه روزه اطراف آنان را روشن و منور می ساخت ، افرادی که در مناطق دوردست زندگی می کردند مدتها گردنشان را دراز کرده و به آتش خیره می شدند . در آن زمان مردم با دادو فریاد و تضرع و زاری نزد حضرت خالد نبی آمده و از او طلب کمک کردند و گفتند که اگر شما کمک نکنی این آتش تمام افراد روی زمین را هلاک خواهد کرد در آن

وقت حضرت خالد نبی (ع) روبه خداوند تبارک و تعالی نموده و از او استمداد طلبید و بعد عصای خود را بدست گرفته به طرف آتش حرکت کرد . او با عصای خود شروع کرد به زدن آتش . آتش از برابر حضرت خالد نبی (ع) عقب نشینی می کند . خالد نبی به دنبال آتش می رود تا اینکه شعله های آتش بداخل همان غاری که از آن بیرون آمده بود ، داخل می شود . بله ، این یکی از معجزات حضرت خالد نبی (ع) است . او با این کارش جان و مال و زراعت همه افراد را از آفت آتش محفوظ نگاه داشت . اگر این معجزه حضرت خالد نبی (ع) نبود ، آتش تمام افراد روی زمین را هلاک می کرد . یکی دیگر از معجزات حضرت خالد نبی (ع) این است که ، روزی پرنده ای بنام عنقا در بین قوم خالد نبی (ع) زیاد دیده شد . آن پرندگان مخفیانه می آمدند و کودکان محل را یکمرتبه چنگ می زدند و با خود می بردند و بعد گوشت تن آنان را تکه تکه کرده می خوردند . افراد قوم از دفع شر پرندگان عنقا عاجز مانده و به حضرت خالد نبی (ع) روی آوردند . در آن حال حضرت خالد نبی (ع) برای پرندگان عنقا دعای بدی کردند و بدنبال آن بلافاصله ریشه آنان بکلی از روی زمین برداشته شد . حالا فقط نام پرنده عنقا باقی مانده است و خود پرنده وجود ندارد .

بله ، نابود شدن نسل پرنده عنقا از روی زمین یکی دیگر از معجزات حضرت خالد نبی (ع) است .

وصیت های حضرت خالد نبی (ع) به قوم خود که عمل نمی شود

حضرت خالد نبی (ع) به قوم خود سه وصیت می کند که متأسفانه قوم آن حضرت هیچیک از وصیت های او را عمل نمی کنند .

وصیت اول :

وقتی که آتش از دست حضرت خالد نبی (ع) فرار کرده و به داخل غار می شود در آن وقت آن حضرت به تمام فرزندان ، بستگان و اقوام خود سفارش می کند و می گوید من بداخل این غار رفته و اجاق آتش را خاموش می کنم و به سلامت بیرون می آیم و شما سه روز صبر کنید و هرگز به خاطر من بی طاقت نشوید و در طول این سه روز مرا به نام صدا نکنید . اگر چنانچه شما صبر نکنید و طاقت نیاورده و در طول این سه روز مرا به نام صدا کنید ، در آنصورت من هلاک خواهم شد . در واقع من از داخل غار زودتر بیرون می آیم و زود هم میمیرم . سپس حضرت خالد نبی (ع) به قصد خاموش کردن ریشه آتش به داخل غار می رود . تمام اولاد و اقوام آن حضرت دو روز صبر کردند ، اما در روز سوم شیطان در قلب آنان وسوسه ایجاد کرد ، بعد از بین آنان شخصی بنام عماره بن زیاد گفت : اگر خالد زنده بود تابحال بیرون می آمد ، چند نفر دیگر گفتند : کنار در غار برویم و خالد را صدا بزنیم تا زودتر از غار بیرون بیاید . چند نفر دیگر گفتند : مگر خود خالد بما نگفت که مرا به نام صدا نکنید ؟ به هر حال در خصوص صدا زدن و صدا نزدن بحث شد و بالاخره مصلحت بر آن شد که او را صدا بزنند . بعد حضرت خالد نبی (ع) را بنام صدا کردند . حضرت خالد نبی در حالی که سرش را گرفته بود ، از غار بیرون آمد و گفت : « أَلَمْ أَنهَاكُمْ أَنْ تَدْعُونِي بِاسْمِي فَقَدْ وَلَّيْتُمْ مَوْتِي » یعنی : آیا من به شما نگفتم ام که مرا بنام صدا نکنید ؟ پس من به خدای خود سوگند یاد می کنم که شما به وصیت من عمل نکردید و حتماً مرا می کشید . بهمین خاطر این موضوع در حدیث شریف چنین آمده است : « ذَاكَ نَبِيٌّ ضَيَّعَ قَوْمَهُ » یعنی : همان خالد بن سنان پیامبر ماست که قوم او وصیت های او را عمل نکرده و او را هلاک کردند .

وصیت دوم :

حضرت خالد نبی (ع) بعد از اینکه از غار بیرون آمد با سردرد شدید همراه بود و در حالیکه امید زندگی را از دست داده بود رو به تمام فرزندان و اقوام خود کرد و گفت: حالا من میمیرم، مرا در قبر جای بدهید و سپس نگهبانی بر آن بگذارید، بعد از چهل روز یک گله گوسفند به قبر من نزدیک می شود که در جلوی آن گله یک الاغ دم بریده وجود دارد، آن الاغ به دور قبر من می چرخد و بعد سه مرتبه صدا می کند، در همان حال آن الاغ را بگیرید و بکشید و بعد از اینکه شکم آن را دریدید، قبر مرا باز کنید و بعد با شکم آن الاغ مرا غبارروبی کنید، من آن وقت زنده شده و تمام اقبال آینده شما را بازگویی خواهم کرد. بعد از این که حضرت خالد نبی (ع) مرد و او را در قبر دفن کردند، همه فرزندان و اقوام چهل روز در انتظار ماندند، بعد از چهل روز یک گله گوسفند با یک الاغ دم بریده از راه رسید. آن الاغ دور قبر چرخید و بعد سه مرتبه صدا کرد. اقوام حضرت خالد نبی (ع) الاغ را گرفته و کشتند و بعد شکم او را پاره کردند و آنگاه می خواستند که قبر آن حضرت را بکشایند که یکمرتبه پسر خالد نبی (ع) بنام عبدالله بن خالد بن سنان از جایش برخاست و گفت: «لَا تَنْبُشُوهُ وَ لَا أَدْعِيْ اِبْنَ الْمَنْبُوشِ اَبْدًا». یعنی: شما قبر او را نگشایید، من اجازه نمی دهم که دیگران مرا پسر قبر گشوده بنامند. تعدادی از حاضران گفتند که قبر گشوده شود و اختلاف نظر شد و در نتیجه قبر گشوده نشده باقی ماند. اگر قبر باز می شد، حضرت خالد نبی (ع) زنده می شد و تمام احوالات آدم را تا قیامت بازگویی می کرد و آشکار خبر می داد. اما اولاد او گرفتار احساس جاهلیت شده و مردم را از معلومات مخفی بی نصیب گذاشتند، بهمین خاطر در حدیث شریف آمده است: «ذَلِكَ نَبِيٍّ اَضَاعَهُ قَوْمُهُ». یعنی: خالد بن سنان پیامبری بود که اولاد او توصیه او را اجرا نکرده و هلاکش کردند.

بله، با این محکوم کردن حضرت محمد (ص) رسول بر حق خدا، معلوم می شود که حضرت خالد نبی (ع) می توانسته زنده شده و از عالم برزخ، قیامت و دیگر خبرهای پوشیده، اطلاعات مفیدی را به مردم بدهد. او حتی می توانست از قبل خبر بدهد که پیامبران از کدام سرزمین و از کدام طایفه خواهد بود.

وصیت سوم:

حضرت خالد نبی (ع) به قوم خود گفته بود که هر وقت به مشکلی برخورد کردید، در نزد خانم من دو عدد لوح وجود دارد، یعنی دو تخته لوح، در آن دو لوح تمام خواسته های شما وجود دارد. اما نباید خانم حیض دار به آن لوح دست بزند. اگر چنانچه خانم حیض دار دست به لوح ها بزند، هر آنچه که در لوح ها وجود دارند، بکلی محو خواهد شد. بعد ها قوم حضرت خالد نبی (ع) به مشکلی برخورد کردند و برای رفع آن مشکل به نزد خانم آن حضرت آمدند و آن لوح ها را خواستار شدند. خانم در حیض بود و در همان حالت لوح ها را از جایش در آورد و به آنان داد. در همان لحظه معلومات موجود در لوح ها محو می شود بدین ترتیب ملاحظه می کنیم که قوم حضرت خالد نبی (ع) به این وصیت حضرت عمل نکرده و او را ضایع کردند. بر این اساس حدیث: «نَبِيٌّ ضَيَعَهُ قَوْمُهُ» از حضرت محمد (ص) رسول بر حق خدا در مورد عمل نشدن این وصیت ها و به هدر رفتن آن حکایت می کند. عبارتی از حضرت رسول اکرم (ص) پرسیدند که حضرت خالد بن سنان چطور آدمی بود؟ و او جواب داد ند که او پیامبری بود که قوم او به وصایای او عمل نکرده و او را هلاک کردند.

دیدار دختر حضرت خالد نبی (ع) با رسول الله (ص)

دختر حضرت خالد نبی (ع) بنام محیاه در زمان خودش یکی از زنان آبرومند و محترم بوده است. بعد از مبعوث حضرت محمد (ص) به پیامبری محیاه دختر خالد نبی (ع) به نزد رسول الله (ص) می آید. پیامبر اسلام با دیدن دختر خالد نبی (ع) عباي خود را از تن بیرون آورده و زیر محیاه می اندازد و محیاه را روی آن عبا می نشاند و بعد می گوید: «مَرْحَبًا بِبِنْتِ نَبِيٍّ ضَيَعَهُ قَوْمُهُ» یعنی: خوش آمدی ای دختر پیامبری که بدست قومش هلاک شد.

حضرت رسول اکرم (ص) در نزد این محیاه دختر خالد نبی (ع) سوره < قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ > را خواند. محیاه دختر خالد بن سنان گفت: این سوره را پدرم خالد بن سنان نیز می خواند. زبان حضرت خالد نبی زبان عربی بود بنابراین او ممکن است معنای دعای قل هو الله احد را دانسته می خوانده است و یا اینکه خدای تبارک و تعالی به خالد بن سنان یاد داده بود. اما در بعضی روایات آمده است که به نزد پیامبر اسلام (ص) پسر خالد بن سنان آمده است، در آنصورت ممکن است آن پسر نامش عبدالله باشد و یا یکی دیگر از پسران آن حضرت باشد. در این خصوص در حدیث شریف اینطور آمده است: « مَرَحَبًا بِإِبْنِ أَخِي ، مَرَحَبًا بِإِبْنِ نَبِيِّ ضَيْعَةَ قَوْمَةٍ » یعنی: خوش آمدی ای پسر برادر من، خوش آمدی، پسر پیامبری که بدست قومش هلاک شد. در این حدیث که پیامبر او را برادر خطاب می کند، حضرت خالد بن سنان می باشد. زیرا تمام پیامبران با پیامبر ما حضرت محمد مصطفی (ص) برادر هستند، یا اینکه نسب پیامبر اسلام در عرن با حضرت خالد نبی یکی می شود و شاید به این اعتبار گفته است که نسب من با خالد نبی (ع) یکی است و او برادر من می شود.

درباره قبر حضرت خالد نبی (ع)

برادران عزیز مسلمان، اگر چنانچه درباره آرامگاه حضرت خالد نبی (ع) سوال داشته باشید و بخواهید بدانید که قبر آن حضرت در کجا واقع شده است، در این باره مفسر بزرگ حنفی مذهب، قطب الزمان، شیخ اسماعیل حقی در تفسیر آیه ششم از سوره ۳۶ قرآن کریم درباره محل قبر حضرت خالد نبی اشاره دارد و می گوید: « وَ يُقَالُ إِنَّ قَبْرَهُ بِنَاحِيَةِ جُرْجَانَ عَلَى قَلْبِ جَبَلٍ يُقَالُ خُدَا » ترجمه: و گفتند به تحقیق قبر حضرت خالد نبی (ع) در منطقه جرجان و بر بلندی کوهی بلند بنام کوه خدا قرار دارد. بله، این هم بیانات آن مفسر بزرگ است. این که ما ترکمنان سالهاست که نسل اندر نسل، بدون اینکه لحظه ای قطع شود، بعنوان میراث یادگاری اجداد خود، به زیارت حضرت خالد نبی (ع) می روند، در تأیید همان گفتار است. حتی آن کوه به نام خالد نبی نام برده می شود. شهر قدیم جرجان در حال حاضر گنبد قابوس نام دارد. فاصله گنبد تا خالد نبی اگر از سمت جنوب آن برویم حدود ۹۰ کیلومتر و اگر از سمت شمال آن برویم حدود ۱۲۰ کیلومتر است. در سمت مشرق آرامگاه حضرت خالد نبی (ع)، زیارتگاه عالم بابا و در سمت مغرب آن آرامگاه چوپان آتا قرار دارد.

مفسرانی که درباره حضرت خالد نبی (ع) سخن گفته اند.

مفسران زیادی درباره حضرت خالد نبی (ع) بطور مفصل و یا مختصر سخن گفته و درباره زندگانی آن حضرت مطالب زیادی بیان کرده اند و یا بطور مختصر به بیان حال وی اشاراتی داشته اند. در این فرصت به ذکر نام آن مفسران می پردازیم که خوب توجه داشته باشید:

۱ - از مفسران حنفی مذهب از شیخ اسماعیل حقی بروسوی می توان نام برد که وی در سال ۱۰۶۳ هجری قمری متولد و در سال ۱۱۳۷ هجری قمری وفات یافته است، این مفسر در کتاب روح البیان، جلد دوم، صفحه ۳۷۵ درباره خالد نبی مطالبی را نوشته است.

۲ - السید محمودالاکوسی یکی از مفسران نامدار است که در سال ۱۲۷۰ هجری قمری وفات یافته است. او در کتاب تفسیر روح المعانی، جلد پنجم، صفحه ۳۷۵ درباره آن حضرت نوشته است.

- ۳ - ابوالقاسم جارالله محمود بن عمر الزمخشري الخوارزمي ، مفسر بزرگ ترکمن که در سال ۵۲۸ هجری قمری وفات یافته است . او در کتاب تفسیر خود بنام < الکشاف عن حقائق التنزیل > ، جلد اول صفحه ۴۰۹ درباره حضرت خالد نبی (ع) می نویسد .
- ۴ - محمد جمال الدین علامه الشام یکی دیگر از مفسران نامدار در کتاب تفسیر خود بنام < تفسیر القاسمی > ، جلد ششم ، صفحه ۱۴۴ نوشته است .
- ۵ - علامه الشیخ سلیمان الجمل یکی از مفسران شافعی مذهب است که وی در کتاب تفسیر < الفتوحات الالهیه > ، جلد اول ، صفحه ۵۰۳ در این خصوص نوشته است .
- ۶ - علامه المحشی در کتاب تفسیر تعلیمات جدیده من التفاسیر المحبره لحل جلالین ، صفحه ۹۷ بیان می کند .
- ۷ - علامه حسین بن علی البیهقی کمال الدین الطاشغی یکی از مفسران حنفی مذهب در کتاب تفسیر حسینی ، صفحه ۱۷۷ درباره حضرت خالد نبی (ع) نوشته است .
- ۸ - علامه ناصر الدین ابوالخیر عبدالله بن عمر البیضاوی از مفسران شافعی مذهب در کتاب تفسیر انوار التنزیل و اسرار التأویل ، جلد دوم صفحه ۱۰۴ می نویسد .
- ۹ - امام محی السنه علاءالدین بن علی الخازن در کتاب تفسیر < لباب التأویل فی معافی التنزیل > جلد اول صفحه ۴۴۳ در این باره می نویسد .
- ۱۰ - الشیخ احمد الصاوی ، از مفسران مالکی مذهب در کتاب تفسیر خود به نام < حاشیه الصاوی علی الجلالین > جلد اول صفحه ۲۷۵ در این خصوص می نویسد .
- ۱۱ - علامه فخرالدین الرازی ابو عبدالله محمد بن عمر در کتاب < تفسیر کبیر > جلد ۱۱ صفحه ۱۹۴ می نویسد .
- ۱۲ - علامه ابو عبیدالله محمد بن احمد القرطبی در تفسیر < الجامع الاحکام القرآن > جلد ششم صفحه ۱۲۲ و همچنین جلد یازدهم صفحه ۴۶ همان کتاب تفسیر درباره حضرت خالد نبی (ع) نوشته است .
- ۱۳ - قاضی شهاب الدین احمد بن محمد بن عمر الخفاجی در کتاب تفسیر خود به نام < عنایه القاضی و کفایه الرازی > جلد سوم صفحه ۴۴۹ می نویسد .
- ۱۴ - علامه ابوالغداء اسماعیل بن عمر ابن کثیر دمشقی در کتاب تفسیر خود به نام < تفسیر القرآن العظیم > جلد سوم صفحه ۶۳ در این باره می نویسد .
- ۱۵ - السید محمد عثمان ابن السید محمد در کتاب تفسیر : < تاج التفاسیر > جلد اول صفحه ۱۱۷ می نویسد .
- ۱۶ - علامه ابوالفرج جمال الدین عبدالرحمن بن علی الجوزی در کتاب تفسیر خود به نام < زاد السید فی علم التفسیر > جلد دوم صفحه ۱۸۹ می نویسد .
- ۱۷ - الشیخ محمد الطاهر ابن عاشور در کتاب تفسیر < التحریر و التنویر > جلد پنجم صفحه ۷۴ .
- ۱۸ - علامه ابوحفص عمر بن علی که از مفسران حنبلی مذهب می باشد در کتاب تفسیر < اللباب فی علوم الکتاب > جلد هفتم صفحه ۲۶۶ .
- ۱۹ - علامه محمد علی الصابونی در کتاب < مختصر تفسیر ابن کثیر > جلد اول صفحه ۵۰۰ .
- ۲۰ - علامه عصام الدین اسماعیل بن محمد الحنفی در کتاب تفسیر < حاشیه القونوی > جلد هفتم صفحه ۴۳۲ و همچنین در جلد شانزدهم صفحه ۹۳ درباره حضرت خالد نبی (ع) نوشته است .

محدثانی که درباره حضرت خالد نبی (ع) سخن گفته اند

- محدثانی که درباره حضرت خالد نبی (ع) بطور مفصل و یا مختصر در کتابهای خود مطالبی را عنوان کرده اند ، بسیاریند که در این فرصت نام و کتاب تعدادی از آنان را معرفی می کنیم .
- ۱ - علامه علاءالدین علی المثقی بن حسام الدین در کتاب « کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال » جلد ۱۲ ، صفحه ۱۴۹ .
 - ۲ - علامه ابوالفداء ابن کثیر الدمشقی در کتاب « البرایه و النهایه » جلد دوم ، صفحه ۲۳۱ .
 - ۳ - الامام الحافظ شهاب الدین احمد بن علی المعروف بابن حجر العسقلانی در کتاب « الاصابه فی تمییر الصابه » جلد اول ، صفحه ۴۶۹ .
 - ۴ - علامه عزالدین المعروف بابن الاثیر در کتاب « اسدالغابه فی معرفه الصحابه » جلد دوم ، صفحه ۸۴ .
 - ۵ - الامام ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور السمعانی در کتاب الانساب ، جلد پنجم ، صفحه ۸۴ درباره حضرت خالد نبی می گوید .
 - ۶ - قاضی القضاة ابن حجر العسقلانی در کتاب « فتح الباری بشرح صحیح الامام البخاری » جلد ششم ، صفحه ۳۸۰ و همچنین جلد سوم صفحه ۶۷ .
 - ۷ - علامه ابو عبدالله محمد الحاکم النیسابوری در کتاب خود بنام « المستدرک علی الاصحیحین » جلد سوم ، صفحه ۴۹۴ .
 - ۸ - علامه عبدالله بن محمد بن ابی شیبہ در کتاب « مصنف ابن ابی شیبہ » جلد هفتم ، صفحه ۵۶۰ .
 - ۹ - علامه علی ابن ابی بکر الهیثمی ، کتاب « مجمع الزوائد و منبع الفوائد » جلد هشتم ، صفحه ۲۱۴ .
 - ۱۰ - علامه عمر رضا کحاله در کتاب « اعلام النساء » جلد پنجم ، صفحه ۳۱ .
 - ۱۱ - علامه محمد بن سعد در کتاب « الطبقات الکبری » جلد اول ، صفحه ۲۹۶ درباره حضرت خالد نبی (ع) مطالبی را نوشته اند .

مورخانی که درباره حضرت خالد نبی (ع) سخن گفته اند

- در این بخش از مورخانی یاد می شود که درباره حضرت خالد نبی (ع) بطور مفصل و یا مختصر در کتابهای خود مطالبی را نوشته اند :
- ۱ - الامام محمد بن یوسف الصالحی الشامی در کتاب « سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد » در جلد اول ، صفحه ۳۰۳ و همچنین در جلد ششم ، صفحه ۳۷۵ آمده است .
 - ۲ - علامه ابوالفرج عبدالرحمن بن علی الجوزی در کتاب « المنتظم فی تواریخ المملوک و الامهم » در جلد اول کتاب صفحه ۴۰۴ آمده است .
 - ۳ - علامه عزالدین در کتاب « الكامل فی التاریخ » جلد اول ، صفحه ۳۷۶ نوشته است .
 - ۴ - علامه ابو العباس شمس الدین احمد بن محمد بن ابی بکر خلکان در کتاب « وفيات الاحیان و انباء ابناء الزمان » در جلد سوم ، صفحه ۱۰۲ .
 - ۵ - السید احمد بن زینی دحلان ، در کتاب السیره النبویه والآثار المحمدیه « در جلد سوم ، صفحه ۴۵ درباره حضرت خالد نبی (ع) مطالبی را گفته است .

- ۶ - علامه ابوالحسن علی بن الحسین المسعودی در کتاب مروج الذهب و معادن الجواهر ، صفحه ۸۱ .
- ۷ - الفاضل خیرالدین الزرکلی در کتاب < الاعلام > جلد دوم ، صفحه ۲۹۶ .
- ۸ - ابوالقاسم حالت در کتاب < تاریخ بزرگ اسلام و ایران > جلد چهارم ، صفحه ۱۷۹ .
- ۹ - دکتر محمد ابراهیم آیتی در کتاب < تاریخ پیامبر اسلام > صفحه ۱۷ .
- ۱۰ - محمد تقی سپهر المستوفی الکاشانی در کتاب < نواح التواریخ > جلد اول ، صفحه ۳۳۴ .
- ۱۱ - علامه ابوالغفور امین السویدی در کتاب < سبائک الذهب فی معرفه قبائل العرب > صفحه ۵۰ درباره خالد نبی (ع) نوشته است .

عالمان بزرگ که درباره حضرت خالد نبی (ع) سخن گفته اند

عالمان بزرگ که در کتاب های خود درباره حضرت خالد نبی (ع) سخن گفته اند بشرح ذیل نام و کتاب آنان معرفی می شوند :

- ۱- شهاب الدین احمد بن محمد بن عمر الخفاجی در کتاب “ نسیم الریاض فی شرح شفاء القاضی عیاض ” جلد ششم ، صفحه ۴۱۴ .
- ۲- علامه الشیخ کمال الدین الدمیری در کتاب “ حیاة الحیوان الکبری ” جلد دوم ، صفحه ۱۶۸ .
- ۳- احمد بن محمد ابوالبرکات الدردیر در کتاب “ الشرح الکبیر ، جلد چهارم ، صفحه ۴۸۲ .
- ۴- علامه شمس الدین محمد در کتاب “ حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر ” جلد چهارم ، صفحه ۴۸۲ .
- ۵- الفاضل المورخ علی اکبر دهخدا در کتاب لغت نامه ، جلد بیستم ، صفحه ۱۰۱ .
- ۶- وزیر الفقیه ابوعبید عبدالله بن عبدالعزیز البکری الاندلسی در کتاب “ معجم ما استعجم من اسماء البلاد و المواضع ” جلد دوم صفحه ۷۲ .
- ۷- شهاب الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله الحموی در کتاب “ معجم البلدان ” جلد سوم ، صفحه ۱۴۵ و همچنین صفحه ۲۸۳ همان کتاب .
- ۸- علامه محمد بن ابی القاسم العبدری ابو عبدالله ، در کتاب “ التاج و الاکلیل لمختصر خلیل ” جلد ششم ، صفحه ۸۹۱ .
- ۹- الاستاد المرحوم العالم الکبیر الحاج عبدالجلیل آخوند گنبدی در کتاب “ خالد بن سنان ” که درباره حضرت خالد نبی مطالب زیادی را نوشته است .
- ۱۰- کتاب مؤلف الحاج عبدالرحمن آخوند تنگلی طانا بنام “ اوضح البرهان فی تحقیق اخبار خالد بن سنان ” که به زبان عربی نوشته شده که منابع و مطالب مفیدی در این کتاب آمده است .
- ۱۱- شاعر باکرامت و معروف ترکمن به نام ملامسکین قلیچ در اشعار خود به این موضوع اشاره می کند که ترجمه اشعار چنین است :

در بلندای آن خالد نبی مسکن گزیده ...

و یا :

مسکن و منزل خالد نبی است

گر حاجت طلب کنی یارتان خواهد بود این کوه ها

دستور زیارت حضرت خالد نبی (ع)

ای برادران عزیز مسلمان ، زیارت کردن حضرت خالد نبی (ع) رفتن به محضر مبارک آن حضرت و ادب و اکرام نمودن ، تعظیم کردن ، یادآوری معجزات وی ، در آنجا قرآن خواندن ، دعا کردن ، صدقه و خیرات دادن و خلاصه شاد کردن روح شریف آن حضرت ، از عبادت پسندیده محسوب می شود . در این رابطه حضرت " معاذ " حدیث ذیل را از حضرت محمد (ص) بیان کرده است :

« ذکر الانبیاء من العباده و ذکر الصالحین کفاره ، و ذکر الموت صدقه و ذکر القبر یقربکم من الجنه » ترجمه :

یاد کردن پیامبران خدا ، از عبادت است و یاد کردن صالحان کفاره گناهان محسوب می شود و مرده را یاد کردن از صدقات است و یاد کردن قبر آنان شما را به بهشت نزدیک خواهد کرد .

بله ، از این حدیث پیامبر برحق خدا معلوم می شود که یادکردن انبیاء و اولیاء و یادکردن اموات و قبر آنان حتما لازم است و این یاد کردن ها ، زیارت انبیاء و اولیاء را کامل می کند ، زیرا کسی که چشمش به قبر بیفتند صاحب قبر را نیز به خاطر خواهد سپرد مرده را بخاطر می سپارد و داخل قبر شدن و خوابیدن در آنجا را بخاطر خواهد سپرد .

بهمین خاطر پیامبر گرامی اسلام با حدیث درست خود با علاقمندی می فرماید :

« زو رو القبور فانها تذكركم الاخره »

ترجمه : شما قبور را زیارت کنید ، زیارت کردن قبور آخرت را به یاد شما خواهد انداخت .

حضرت رسول اکرم (ص) در حدیث شریف دیگر می فرماید :

« اذا اعیتکم الامور فعلیکم باصحاب القبور فزوروا »

یعنی : هر وقت به مشکلی گرفتار شدید از صاحبان قبور کمک طلب کنید و به زیارت آنان بروید .

آیا قوم خالد نبی (ع) برای نجات یافتن از آتش از او کمک طلب نکردند ؟ آیا با مردن خالد نبی مقام او از بین خواهد رفت ؟ مردن و زنده بودن انبیاء و اولیاء هیچ فرقی ندارد ، به همین خاطر حضرت امام محمد غزالی می گوید :

« من یستمد فی حیاطه یستمد بعد مماته »

یعنی : از هر یک از بندگان خدا که در وقت حیات از او کمک طلبیده و به اجاق او روی آورده شود ، بعد از مردن نیز از او کمک طلبیده و به زیارت قبر او خواهند رفت .

بنابراین ای برادران مسلمان مدفون شدن تعدادی از اولیاء و انبیاء در بین مردم این سرزمین ، باعث افتخار بوده و برای همگان برکتی محسوب می شود .

بنابراین رفتن باین زیارتگاه ها المدام لازم است و در مذهب حنفی ما زیارت قبر برای مردان و زنان مستحب می باشد .

در کتاب های :

حاشیه طحطاری - نور الایضاع - مراقی الفلاح - ردالمحتار - درالمنتقی - فتاوی واحدی - جامع الرموز - البحر الرائق - رفتن زنان به زیارتگاهها را تأیید می کند ، اما بشرطی که اولاً زنان بایستی با محارم خود بروند و بعد با حجاب باشند و نباید از دستورات شریعت خارج شوند .

شرایط زیارت حضرت خالد نبی (ع)

کسانیکه به قصد زیارت حضرت خالد نبی می روند بایستی به نکات ذیل توجه داشته باشند :

اولا بایستی وارد مسجد شده و دو رکعت نماز مستحب بخوانند . در رکعت اول نماز بعد از خواندن “ الحمد ” سوره “ قل هو الله ” را بخوانند . بعد از سلام دادن به کنار مرقد شریف آن حضرت رفته و در سمت انتهایی پای آن حضرت قرار گرفته و به او سلام بدهند .

ترتیب زیارت در دیگر زیارتگاهها هم چنین است و بایستی در کنار قبر “ عالم بابا ” و “ چوپان آتا ” که از یاران حضرت خالد نبی (ع) بوده اند باید باین گونه زیارت کرد .

بعد از سلام دادن در برابر سینه میت قرار گرفته و به حالت ایستاده رو به میت نموده و دو دست خود را بحالت احترام بهم وصل کرده و آنگاه یکبار الحمد و یازده با قل هو الله خواند . سپس دست ها در برابر سینه قرار گرفته و به حالت التماس دعا خوانده شود و حاصل دعا شامل الحمدها و قل هو الله ها را به روح تمام پیامبران خصوصا پیامبر خودمان حضرت محمد مصطفی (ص) و تمام اصحاب ، مجتهدان ، اولیاء و تمام مسلمانان خصوصا به صاحب این مرقد حضرت خالد نبی (ع) نثار کرد و بعد دو دست خود را به صورت خود کشید . بعد از آن در کنار میت نشست و قرآن خواند و از اول سوره بقره تا المفلحون بعد سوره آیه الکرسی ، آمن الرسول و سوره یاسین و سوره تبارک - سوره اخلاص و سوره معوذتین - بعد از آن دوباره مثل حالت اول دست ها را در برابر سینه خود قرار داده و رو به حضرت خالد نبی (ع) بایستی دعا کرد و در برابر خدای تبارک و تعالی تضرع و زاری نمود و از او خواست که بخاطر حرمت این حضرت خالد نبی (ع) خواسته هایمان را مستجاب کند .

بعد از آن بایستی به قداست حضرت خالد نبی (ع) رو کرد و التماس شود : این حضرت عالیمقام من نمی توانم به خداوند تبارک و تعالی عرض حال کنم ، من آمده ام که تو را واسطه کنم تا حاجتم را از خداوند تبارک و تعالی طلب کنی .

آنگاه آن حضرت با محبوبیت خود به خداوند تبارک و تعالی روی کرده و حاجات شما را از او طلب خواهد کرد و خداوند هیچگاه خواسته های دوستان خود را رد نخواهد کرد . بهمین خاطر گذشتگان ما قبور انبیاء و اولیاء را : « تریاق لاجابه الدعای » گفته اند . یعنی اینکه زیارت قبور شریف پیامبران و اولیاء به تجربه محل اجابت دعاها و درمان انسان بوده است . در واقع با زیارت کردن قبر آنان و وسیله قرار دادن آنان ، اطمینان داریم که خداوند تبارک و تعالی همه حاجات خواسته شده بندگان خود را حتما برآورده خواهد نمود .

در پایان خداوند تبارک و تعالی ما و شما را و همه برادران مسلمان را به حرمت انبیاء و اولیاء اصحاب ، پیامرزد . آمین یا رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و علی آله و صحبه و سلم ، سبحان ربك رب العزه عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین .

عبدالرحمن آخوند تنگلی وقت اتمام شب جمعه هفده ذی القعدة مورخه ۸۳/۱۰/۱۰